

سپهر قلم و
کاغذ

www.ketab.ir

نشانی پستی: تهران صندوق پستی ۶۴۹-۱۳۱۴۵
نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه
خیابان روانمهر، نرسیده به ایوريجان، پلاک ۴۲، واحد یک
تلفن: ۶۶۹۶۲۵۳۷
همراه: ۰۹۱۲۲۲۷۳۸۶۶
سامانه پیام کوتاه (اس.ام.اس):
۳۰۰۰۷۰۰۰۲۴۹۰۹۲

www.rasm.ir
info@rasm.ir

www.ketab.ir

سیاه‌نم‌های هانی نجم
ناشر: راسم
مدیر هنری: مهدی صادقی
مدیر تولید: ژاله رستمی
صفحه آرای: مریم صراطی
چاپ نخست: ۱۳۹۱
شمارگان: هزار نسخه
لایوگرافی: خجسته
چاپ: سبزآرنگ
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۶۳-۴۹-۲
ISBN: 978-964-8763-49-2

سرشناسه: نجمه هانی، ۱۳۳۴
عنوان و نام پدیدآور: سیاه‌نم‌های هانی نجم
مشخصات نشر: تهران، راسم، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۱۳۲ ص، مصور
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۷۶۳-۴۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
عنوان دیگر: گزیده‌ای از طراحی‌های هانی نجم با مداد و مازیک
موضوع: نجمه هانی، ۱۳۳۴
موضوع: نقاشی‌های ایرانی
موضوع: نقاشی‌های ایرانی - قرن ۱۴
موضوع: سیاه‌نم
رده‌بندی کنگره: ND۶۷۹ (۲) / ۱۳۹۱
رده‌بندی دیویی: ۷۵۹/۶۵۵
شماره ثبت‌نسخه ملی: ۲۸۳۶۶۲۸



هانی نجم

متولد ۱۳۶۴ تهران

دیپلم معماری / کاردانی نقاشی / کارشناسی گرافیک

عضو پیوسته انجمن هنرمندان نقاش ایران

عضو انجمن تصویرگران کتاب کودک و نوجوان

عضو انجمن موسسه توسعه هنرهای تجسمی

منتخب دومین جشنواره طراحی معاصر ایران، موزه امام علی (ع) ۱۳۸۸

منتخب سومین جشنواره طراحی معاصر ایران، موزه امام علی (ع) ۱۳۸۹

نفر اول نخستین جشنواره ملی جوارز ایرانی بخش طراحی، موزه صبا ۱۳۸۹

منتخب جشنواره هنرهای تجسمی دامونفر بخش طراحی و نقاشی پردیس سینمای ملت ۱۳۸۹

منتخب پنجمین جشنواره هنر جوان بخش طراحی، موزه صبا ۱۳۸۹

منتخب نهمین جشنواره طراحی معاصر، گالری آتشداد ۱۳۸۸

جزو ۵ برگزیده بخش حرفه‌ای جشنواره بهترین‌ها از دور ریختن‌ها، خانه هنرمندان، ۱۳۹۰

نفر دوم جشنواره شمسه با موضوع شهر بخش طراحی، ۱۳۹۰

نخستین جشنواره ملی هنر جدید، موزه هنرهای معاصر امواز، ۱۳۹۰

شرکت در نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی متعدد

hani.najm@yahoo.com

www.haninajm.blogfa.com



هویت تک‌ستاره‌ها

داریوش حسینی

بنابراین با پرتره‌هایی روبروایم که تحریف شده است، یعنی همچنان دلالت بر شخصیت‌پردازی افراد شناخته شده دارد، اما با زبانی که ترجمه‌ای است شخصی از طبیعت.

اما آنچه باعث گیرایی پرتره‌های وی و موجب فاصله‌گذاری با آثار کلیشه‌ای و قابل پیش‌بینی از این رجال آشنا می‌شود، حساسیت بالای **هانی نجم** و تمرکز طولانی مدت بر سوژه مورد نظر خود است که باعث می‌شود پشت این پرتره‌ها هویتی را دریابیم که در روند تاریخی خود، بارها و بارهای دستخوش تحولاتی ناگهانی یا تدریجی شده است.

و بیشتر یادآور این نکته است که اینجا کشور تک ستاره‌هاست. ستاره‌هایی که محصول مستقیم یک سیستم نبوده و این خود انگیزختگی‌شان است که از آنها ستاره می‌سازد.

ستاره‌هایی که بعضاً و بسیار دیر تعمیم می‌یابند، یعنی مدتها پس از مرگ.

آری، پرتره‌های **نجم** بر مدار هویت می‌گردد. هویتی دردناک از تاریخی به غایت پیچیده. از همین روست که تمرکز و توجه وی بر اشخاصی با بیشتر کنشی تاریخی است تا علقه‌ای شخصی.

همچنین علیرغم تفاوت‌هایی که در روش‌های طراحی وی وجود دارد، تمام این پرتره‌ها به شکلی هم‌بسته به یکدیگر شبیه‌اند.

تمام آنها دارای یک نوع دگردیسی هستند و گویی لحظاتی دیگر هویت پیشین خود را از دست خواهند داد. در واقع ما شاهد لحظاتی از تغییرات اساسی در این پرتره‌ها هستیم.

این آدم‌ها نه ما را به تضاد می‌نشانند و نه خود را فراسوی تضاد ما قرار می‌دهند. آنها مستقیم به ما نگاه می‌کنند.

باری طراحی‌های **هانی نجم** در این مجموعه بازنمایی کژدیسی‌های تاریخ یک کشور است که از خلال آن پرتره‌های مستقیم و خیره به ما می‌نگرد.

طراحی‌های **هانی نجم** از همان لحظه نخست مخاطب را با تناقضاتی آشکار مواجه می‌کند.

در مجموعه حاضر، تمرکز وی روی پرتره افرادی است که در تار و پود فرهنگ، هنر و سیاست ایران طی یکصد سال گذشته نقشی اساسی داشته‌اند.

در واقع با پرتره اشخاصی مشهور و مطرح در تاریخ کشورمان روبروایم، اما از دریچه نگاه **هانی نجم**.

مجموعه حاضر رگه‌هایی از طنز، هجو و اکسپرسیون را به شکلی توانمند و بالقوه در خود دارد و این در حالی است که حالات چهره‌ها دارای لحنی جدی و متجمد است.

پرتره‌های **نجم** روی هم رفته دارای جوهره‌ای است که می‌توان آن را با طراحی گرافیتی نیز مقارن دانست. نگاهی از سر شوخ طبعی به همراه تمرکز روی شخصیت‌پردازی؛ به نحوی که جنس طراحی و لحن وی با توجه به کارکرد افرادی آشنا و خاص تغییر نکرده و این مساله بدل به نقطه قوت آثارش شده است.

همچنین استفاده از وسیله‌ای به نام ماژیک به بیان اغراق‌آمیز این آثار دامن زده، ضمن اینکه نحوه هاشور زدن **هانی** به نوعی براساس سنت بزرگ طراحی و تأکیدی است بر آن.

در حالی که اجرا با وسواس و سخت‌گیری‌های آکادمیک چندین همراه نیست، به نحوی که گویی، طراح این پرتره‌ها یک هنرمند ناثب است که به شکلی شماتیک در اجزای صورت‌ها و یا فواصل آنها اغراق می‌کند و حاصل آن نیز ما را با پرتره‌های کژدیسی شده که گاه پهلوی به نقاشی کودکان می‌زند و گاه یادآور مجسمه‌های باستانی است، مواجه می‌کند.

رسیده

نگاه نافذ و نقاد

سیامک نیری فلاح



نقش هنرمندان در پایایی بخشی به بنیان و مسيردهی به فرهنگ سرزمین‌ها به سوی کوی هدایت و نیز بی‌اغراق در یافتن روشنی در این غبارآلود مهر ماه و زمانه، بر اهالی دیار دانایی پوشیده نیست.

در این میان، پیرانی که خود چراغ راهنما، خانه‌بانی حریم حرم هنر می‌کنند و جوانانی که در دل داعیه آبادی دارند، در آباد کردن خود و دیارشان، بر بوم هنر، قلم به رد زمان و بوم زندگی می‌زنند.

هانی نجم از منظر این مقیم ملک هنر و معماری، جوانی است که با خواست، تلاش و صیقل نگاهش، که ریشه در داشته‌های ذاتی او دارد، به عمقی ستودنی دست یافته و آنچه در آثار او بیش از تکنیک و شیوه‌های پردازش، رخ‌نمایی می‌کند، تلفیق این یافته‌ها با اخلاق، به همراه اعتقاد به اصل آزادی (برای هنرمند و مخاطب) است.

به یقین بر این باورم که، انسان هنرمند هرگاه که با اخلاق، به معنای در پرده‌اش، قریب شود، آثارش متأثر از نوری روحانی می‌شود و آنگاه است که بر مخاطب اهل بینایی‌اش مؤثر خواهد افتاد. با نگاه نافذ، منصف و پاک نقادی هنر و به واسطه آشنایی ابعاد آثار و شخصیت **هانی نجم** که در طول سال‌های همراهی وی در کسوت معلمی‌اش در دانشگاه حاصل شده، او را تحسین می‌کنم.

مثل آدم‌هایی که فراموش شده‌اند!

هانی نجم

ماژیک متریالی است که از پایداری کمتری نسبت به دیگر ابزار نقاشی برخوردار است و با مرور زمان، رنگش می‌پرد و کم می‌شود. درست مثل آدم‌هایی که با گذشت زمان دیگر کسی یادی از آنها نمی‌کند و فراموش می‌شوند.

کار با ماژیک سخت‌تر است و اثری که از آن روی کاغذ به جا می‌ماند دیگر پاک نمی‌شود. درست مثل زندگی و عمر ما که دیگر نمی‌شود به گذشته برگردیم.

شاید اولین طراحی‌های چهره‌ام که به خاطر می‌آورم، زمانی بود که در مقطع راهنمایی از معلم‌ها هنگام درس دادن می‌کشیدم. بعد از آن هم در حیاط دانشگاه مازیار، از دانشجویهای رشته‌های مختلف بود که طرح‌هایم را به اتاق‌شان نصب می‌کردند.

همیشه هنگام طراحی با مدل‌هایم حرف می‌زدم و از آنها سوال می‌پرسم. آنها به اشتباه گمان می‌کردند به خاطر اینکه آنها را سر جای شان ثابت نگه‌دارم، این کار را انجام می‌دهم. اما به خاطر این بود که بیشتر به حس آنها نزدیک شوم و حسی که خود در آن لحظه داشتم، نیز روی کار بی‌تاثیر نبود.

همه دوست داشتند چهره‌ای از خود به قلم من به یادگار داشته باشند. از عده‌ای که رشته هنری نبودند می‌شنیدم که می‌گفتند انگار تو چهره درونی آدم‌ها را می‌کشی.

عده‌ای از اینکه چهره‌شان را به گونه‌ای دیگر می‌دیدند، ناراحت می‌شدند، چرا که آنها به دنبال شباهت بودند. مثلاً بعد از اتمام کار یادآوری می‌کردند طرحی که از چهره‌شان کشیدم، مژه ندارد و از دیگران می‌پرسیدند که آیا شبیه‌شان شده یا نه؟

چیزی که برای من مهم‌تر از شباهت بود، این بود که حس مدل را برسانم و شباهت از اهمیت کمتری برایم برخوردار بود. در چند سالی که در ورکشاپ‌های خیابان هنر (که در محله‌های مختلف شهر تهران برگزار می‌شد)، نیز وقتی با قشرهای مختلف جامعه رو به رو می‌شدم، استقبال زیادی می‌کردند و اولین سوالی که می‌پرسیدند این بود: شما کاریکاتور می‌کشید یا سیاه‌قلم؟

همیشه طراحی چهره را بیشتر دوست داشتم به خاطر ارتباطی که با مردم برقرار می‌شد و اینکه می‌توانستم با این کارم، آنها را خوشحال کنم.

یکی از دلایلی که بخشی از مجموعه حاضر را از بین چهره‌های دوران قاجار انتخاب کردم، این است که من خود از نوادگان حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الملک هستم که از منجمان، دانشمندان و ریاضی‌دانان دوره ناصرالدین شاه قاجار بود.

این از طرفی به من انگیزه می‌داد و از سوی دیگر به این فکر می‌کردم که در قبال آدم‌های بزرگی که در دوره‌های پیشین بودند و دیگر یادی از آنها نمی‌شود، چه باید کرد؟

هنگام کار روی این مجموعه، عکس‌هایی را می‌دیدم از انسان‌های بزرگی که امروز دیگر در میان ما نیستند و فقط آثارشان بر جای مانده. از خود می‌پرسیدم جایگاهم در میان آنها چیست؟

و صد سال بعد را می‌دیدم که آیندگان چگونه به من می‌نگرند و اینکه آیا برای آنها مفید بوده‌ام؟ زمانی که دیگر چیزی از من باقی نیست جز آناری که بر جای می‌ماند.